

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

٤٤٩١٧

دانشگاه یزد

## "دانشکده معماری و شهرسازی"

پایان نامه:

کارشناسی ارشد رشته معماری و شهرسازی

موضوع:

مرکز فرهنگی رفسنجان

۲۰ / ۱۱ / ۱۳۸۱

اساتید راهنما:

آقای دکتر بهرام وزیری

آقای مهندس حسین آیت اللهی

نگارش:

حسینعلی بخشی

۴۴۹۱۷

سال تحصیلی: زمستان ۱۳۷۶

وزارتخانه استوارت معماری ایران  
تعمیرات و بازسازی

**تقدیم به پدر و مادر مهربان و فداکارم**

**و**

**تقدیم به همسر و فرزند عزیزم**

که در این راه یاری ام کردند

## فهرست مطالب

۱	.....	مقدمه
		<b>فصل اول: نگاهی به فرهنگ</b>
۲	.....	مقدمه
۴	.....	فرهنگ و عوامل وابسته
		تأثیر فرهنگ بر روابط انسانی
		رابطه فرهنگ و آموزش
		نیاز به حفظ ارزشهای فرهنگی
		روابط متقابل فرهنگ و محیط زیست
۱۰	.....	نتیجه
		<b>فصل دوم: نقش فراغت در زندگی امروز</b>
۱۱	.....	مقدمه
۱۲	.....	فراغت و تفریح
		نیاز به تفریحات سالم
		اهداف تفریح و اوقات فراغت
		روشهای مطلوب گذراندن اوقات فراغت
		خصوصیات اماکن تفریحی
۱۷	.....	نتیجه
		<b>فصل سوم: نگاهی به ورزش</b>
۱۸	.....	مقدمه
۱۹	.....	جامعه، فرهنگ و نقش ورزش در گذران اوقات فراغت
۱۹	.....	فراغت و ورزش
۲۰	.....	تربیت بدنی در جوامع گذشته و امروز
۲۱	.....	تربیت بدنی در جامعه اسلامی
۲۱	.....	تربیت بدنی در ایران باستان
		اسب سواری
		تیراندازی و شکار
		چوگان بازی
		شنا
۲۴	.....	اهداف تربیت بدنی و ورزش
		هدفهای بهداشتی و تندرستی
		هدفهای پرورشی و اخلاقی
		هدفهای روانی و اجتماعی
		هدفهای حرکتی و مهارتی

نتیجه ..... ۲۵

### فصل چهارم: آشنایی با شهرستان رفسنجان

شناخت شهر رفسنجان ..... ۲۷

بررسی چگونگی پیدایش شهر

فرآیند رشد شهر

چگونگی شکل گیری بافت شهری

خصوصیات جمعیتی شهر رفسنجان ..... ۳۲

تعداد جمعیت شهر و روند تحول آن

موقعیت جمعیتی شهر

توزیع سنی و جنسی جمعیت

خصوصیات جغرافیائی و اقلیمی شهر رفسنجان ..... ۴۰

موقعیت جغرافیائی و تقسیمات سیاسی

ویژگیهای اقلیمی شهر رفسنجان

### فصل پنجم: عوامل مؤثر در طراحی

مقدمه ..... ۴۹

جهت ساختمان ..... ۵۰

عوامل مؤثر در تعیین جهت ساختمان

جهت مناسب ساختمان در اقلیم رفسنجان

فرم ساختمان ..... ۵۳

مصالح و رنگ ساختمان ..... ۵۴

بستر طرح ..... ۵۵

گزارش مطالعات جمعیتی و خدماتی شهر رفسنجان

موقعیت زمین در شهر رفسنجان و نحوه دسترسیها

وسعت و شیب زمین

کاربریهای مجاور

محیط طبیعی و مصنوعی

تجزیه و تحلیل گرافیکی سایت

فرآیند طراحی معماری ..... ۶۰

تصورات فضائی مجموعه

ایده های طراحی

اصول سازماندهی

اهداف و کلیات طرح ..... ۶۸

خصوصیات مرکز و اهداف طرح

زمینه های فعالیت مرکز

کلیات طرح

فصل ششم : برنامه فیزیکی مجموعه

۷۷	بخش آموزشی
۷۷	مقدمه
۷۸	فضاهای آموزشی
	ابعاد کلاسها
	فضاهای تشکیل دهنده بخش آموزشی
۷۹	ویژگیهای محیط آموزشی
	کلاسهای درس
	کلاسهای کار گروهی و کلاسهای طراحی
	اطاقهای اساتید و مربیان
	دفاتر اداری و آموزشی
۸۸	کتابخانه
۸۸	مقدمه
	عملکرد و اهداف کلی کتابخانه
	فضاهای مورد نیاز در کتابخانه
	سیر کولاسیون کتاب
	سیر کولاسیون استفاده کنندگان
	عوامل محیطی در کتابخانه
	اجزای مبلمان کتابخانه
۹۸	تأثر
۹۸	مقدمه
۹۹	سالن تأثر
	تأثر صحنه ایوانی
	تأثر صحنه کمانی
	تأثر صحنه میدانی
۱۱۰	جزئیات سالن تأثر
	دید تماشاگران
	عمق تماشاخانه
	راهروهای داخل سالن نمایش
	انحناء ردیفهای صندلی
	شیب کف تماشاخانه
	ترتیب جایگاه تماشاگران
۱۱۷	ورود و انتظار تماشاگران
	ورودی

	سالن انتظار
	ورودیهای سالن نمایش
	ممانعت از ورود صدا
	رختکن ها
	سرویسهای بهداشتی
	بوφέ، تریا
	رستوران
	گیشه فروش
	دسترسی معلولین
۱۲۶	..... صحنه و حوزه های پیرامون آن
	صحنه
	فضای کنار صحنه
	فضای پشت صحنه
	جایگاه ارکستر
	جایگاه سوفلر
	صحنه و سیستم های جایگزینی آن
	صحنه آسانسوری
	تجهیزات صحنه
	فضاهای پشت صحنه (پشتیبانی صحنه)
۱۴۰	..... کارگاهها و فضاهای تولید
	کارگاه نجاری
	کارگاه نقاشی
	کارگاه ملزومات صحنه
۱۴۳	..... آکوستیک سالن نمایش
	استماع تماشاگران
	نیازهای آکوستیکی
	پخش صوت
	کنترل واکنش
۱۵۲	..... سینما
۱۵۲	..... مقدمه
	بخشهای مختلف سینما
	سالن نمایش
	اطاق پروژکتور
	سایر اطاقها
	روشنایی در سینما

۱۶۹	.....	نمایشگاه
۱۶۹	.....	مقدمه
۱۶۹	.....	بهترین حالت نمایش اشیاء
۱۶۹	.....	جلب نظر
۱۷۰	.....	سیر کولاسیون در نمایشگاه

حرکت مردم در بین جمعیت

محل استراحت مردم

سیر کولاسیون کنترل شده

سیر کولاسیون کنترل نشده

توجه به مردم

۱۷۴	.....	نکات مهم برای طرح نمایشگاه
۱۷۶	.....	سالن ورزشها
۱۷۶	.....	مقدمه
۱۷۶	.....	چندمنظوره بودن عملکرد سالنها
۱۷۷	.....	ورزشهای مطرح در سالن
۱۷۸	.....	نکات مهم برای طرح سالن ورزشها

فرد

جهت

ترافیک و دسترسیهای داخلی

سکوفهای تماشاگران

نور

صدا

تأییدی نمایش سالن

سرریس دهی به تماشاگران

فضای مربوط به ورزشکاران

فضاهای خدماتی

۱۸۲	.....	انواع زمینهای ورزشی
-----	-------	---------------------

### فصل هفتم: سازه، مصالح و نیروی انسانی

۱۹۸	.....	انتخاب سیستم سازه
-----	-------	-------------------

بارگذاری

خاک رپی

تحقیق درباره مصالح ساختمانی موجود در محل و نیروی انسانی ۲۰۰

مصالح ساختمانی



نیروی انسانی

نتیجه ..... ۲۰۰

فصل هشتم: تأسیسات ساختمانی مجموعه

تأسیسات مکانیکی ..... ۲۰۱

سیستم سرمایش و گرمایش

سیستم تخلیه هوا

سیستم آبرسانی

سیستم فاضلاب

سیستم آتش نشانی

تأسیسات الکتریکی مجموعه ..... ۲۰۶

سیستم روشنایی

سیستم تأمین نیروی الکتریکی اضطراری

سیستم برق رسانی

سیستم اعلام حریق

سیستم مرکز تلفن

سیستم آسانسور

فصل نهم: معرفی نمونه ها

مرکز فرهنگی ژرژپمپیدو ..... ۲۱۲

خانه فرهنگ دنیا یا کنفرانس هاله ..... ۲۲۲

اپرای باستیل ..... ۲۲۹

طاق دفانس ..... ۲۳۶

کتابخانه بزرگ شهر برلین ..... ۲۴۲

ورزشگاه هنگ هنگ ..... ۲۴۹

سالن ورزشهای مجموعه ورزشی آزادی ..... ۲۵۳

منابع و مأخذ ..... ۲۵۹

## مقدمه:

فرهنگ در تداوم زمان از دقایق اندیشه و تجربه شکل می‌گیرد. همچنان که بررسی فرهنگ در متون برای ادامه حیات و انتقال فرهنگ یک قوم، واجب، ضروری و ارزشمند است، بررسی هر یک از نمادهای فرهنگی نیز از همان ارزش برخوردار است. غفلت از ارزش‌های فرهنگی و و ناآگاهی نسبت به القائنات نابجا، به فرهنگ قومی و رفتاری انسانها خدشه وارد آورده و بازتابهای نامطلوب اجتماعی را همراه خواهد داشت.

یکی از نمادهای فرهنگی ما معماری سنتی است. آنچه که امروز از معماری سنتی به کار گرفته می‌شود، فقط شکلهای متنوع آن است در حالیکه مفاهیم اساسی معماری سنتی همچنان دست نخورده مانده و احيانا با تعبیرهای خاص مطرح می‌گردد. مفاهیمی که به فرهنگ زمان خود بستگی کامل دارد و ارزشهای پایدار فرهنگ قومی هم در آن پدیدار است.<sup>۱</sup>

در حقیقت معماری سنتی بازتابی از دانش گذشتگان است که مسئولیت بازشناسی آن بر دوش ماست. بدین معنی که مردم ایران با فرهنگ اصیل و متکی بر عقاید مذهبی خاص و استوار خود می‌بایست با ایجاد فضاهای فرهنگی در دل فضاهایی که دارای پتانسیل مثبت شهری است بعنوان ارکان استراتژیک شهری در نظر گرفته و در طرحهای خود بر مفاهیم اساسی معماری سنتی و ایرانی تأکید خاص داشته باشند.

نظر به وضعیت، مختصات و شرایط امروز جامعه شهری کشور، ضرورت برنامه ریزی و طراحی فضاهای فرهنگی، بیش از پیش نمایان است، از جمله عواملی که لزوم ایجاد فضاهای مورد نظر را دوچندان می‌کند محور استراتژیک سیاست کشور بوده که در جهت رشد و گسترش سطح فرهنگ اجتماعی و تکیه بر معیارها و ارزشهای فرهنگی به پیش می‌رود.

رفسنجان یکی از شهرهای شمالی استان کرمان است و با حدود ۱۲۰/۰۰۰ نفر جمعیت و به فاصله تقریبی ۹۰۰ کیلومتر از تهران و ۱۰۰ کیلومتر از کرمان شهری نسبتاً کوچک و مستعد توسعه می‌باشد و در مطالعات طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران (سازمان برنامه و بودجه، دفتر برنامه ریزی منطقه ای) شهر رفسنجان بعنوان یکی از شهرهای متوسط کوچک دارای اولویت در سطح ملی برای تبدیل به شهر متوسط بزرگ معرفی گردیده است.

<sup>۱</sup> کتاب\_ الفبای کالبد خانه سنتی یزد نوشته محمدرضا قزلباش و فرهاد ابوالضیاء.

## نگاهی به فرهنگ

### مقدمه :

رشد سریع جمعیت و انفجار جمعیت، بحرانی است که امروزه اغلب کشورهای جهان با آن روبرو هستند. این موضوع از جمله مسائلی است که دیگر مسائل زندگی در جوامع بشری خصوصا مسئله فرهنگ را تحت الشعاع قرار می دهد.

بدیهی است در کنار این رشد، امکانات زیست محیطی نیز، باید رشدی متعادل داشته باشند، تا عوارض و پیامدهای آن، گریبانگیر جوامع بشری نشود. از طرف دیگر، امروزه این جمعیت در حال رشد اغلب به سوی شهرها روانه میگردند و ناگفته پیداست که چه عوارضی را به دنبال دارد.

" جهان در صد و پنجاه سال گذشته به شهری شدن بسیار روی آورده است و گرچه شهرها از قدمتی دیرپای بهره دارند، لیکن مرکزیت معاصر را نداشته و چنین بر روستاها مسلط نبوده اند. مهمتر آنکه مرکز جمعیتی بدینسان انبوه، در نقاط محدود و معدودی گرد نیامده اند.

بنا به گزارش گردهمائی (مادر شهر ۸۴) در فاصله سالهای ۱۹۰۰ الی ۱۹۷۵ میلادی شمار شهرهای یک میلیون نفری، ده برابر و شهرهای بیش از پنج میلیون نفر، بیست برابر شده است. در همین مدت، کل جمعیت بزرگترین شهرهای جهان (۲۵ شهر) چهار برابر افزایش یافته است و با فرا رسیدن سال ۲۰۰۰ میلادی، از هشت یا ده برابر نیز تجاوز خواهد کرد.

بدین ترتیب، میانگین جمعیت این بزرگ شهرها، از دو میلیون نفر به شانزده میلیون نفر خواهد رسید. ... در حدود سال ۲۰۰۰ میلادی، برای نخستین بار در تاریخ بشریت، مجموع شهرنشینان از مجموع روستانشینان تجاوز خواهد کرد.<sup>۱</sup>

امروزه این رشد سریع جمعیت در شهرها و کشورهای توسعه نیافته و عقب مانده، به مراتب بیشتر از کشورهای توسعه یافته به چشم می خورد. این رشد فرآیند، عوامل مختلفی از جمله: عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... می باشد که دست در دست هم، کلان شهرها را به وجود می آورند. کشور ما نیز از این آهنگ رشد سریع جمعیت و بخصوص جمعیت شهرنشینی، مستثنی نیست. به دنبال یک سری عوامل در چند دهه گذشته، چند شهر بزرگ کشورمان (تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز) به قطبهای اصلی جمعیت شهرنشینی تبدیل شده اند و این آهنگ می رود که گریبانگیر شهرهای دیگر کشورمان نیز بشود.

یکی از مهمترین عوامل توسعه شهرها و رشد بی رویه جمعیت در شهرها، معضل مهاجرت می باشد، هر چند که امروزه، هدف بسیاری از دولتمردان، در جهت تعدیل معضل مهاجرت به شهرها می باشد، ولی این مسئله یک مشکل جهانی است که موج آن کشور ما را نیز تحت الشعاع قرار می دهد. از مشکلات عمده ناشی از مسئله شهرگرایی، دور افتادن از فرهنگ بومی و نیز دور افتادن از دامن طبیعت و آرامش ناشی از زیباییهای آن است.

علت فرار مردم شهرنشین از خانه های محقر در ساختمانهای بزرگ و مرتفع، عشق و علاقه فطری آنها به فضاهای باز طبیعت است. چون انسان آزاد آفریده شده است می خواهد آزادانه در طبیعت جولان دهد. اماکن سنتی با سقفهای گنبدی شکل و اغلب با روزنه ای رو به آسمان و هلالی بودن سردرها و طاق ها تا حدی انسان را به طبیعت نزدیک می کند.

امروزه افراد یک جامعه شهری بزرگ، آنچنان در قید و بندهای روابط شهری اسیر شده اند که ناخودآگاه نه تنها از دامن طبیعت بلکه از خویشتن خویش نیز دورافتاده و بیگانه شده اند. به همین علت است که در روابط انسانها با یکدیگر مشکلات عدیده پیش آمده و هر یک گذشته و فرهنگ خود را به فراموشی سپرده و سعی در ایجاد یک فرهنگ جدید برای خود را دارند و در هر فرصتی خصوصاً ایام تعطیل، شاهد سرازیر شدن انبوه جمعیت به محیطهای طبیعی اطراف شهرها هستیم. پارکها، مجموعه

<sup>۱</sup> - جمله پیام یونسکو شماره ۲۴ سال ۱۲۶۶.

های تفریحی، مجموعه های ورزشی و مجموعه های فرهنگی در دل فضای سبز از جمله نقاطی هستند که می توانند خلاء ناشی از شهرنشینی (دورافتادن از طبیعت) را پر کنند، ضمن اینکه این فضاها در حکم فضاهایی برای روان آسائی افراد جامعه باشند و مجدداً احیاگر فرهنگ ایرانی اسلامی و روابط اصیل انسانی و همچنین آموزش و توسعه فرهنگ و همسازگاری جامعه، با محیط زیست خود بشوند. شهر رفسنجان نیز امروزه می رود که بعنوان یکی از شهرهای مرکزی مطرح شود و مستعد برای پذیرش مهاجرین بسیار گردد. لذا با توجه به فقیربودن بافت شهری از نظر فضای سبز (سرانه دو متر) و اماکن فرهنگی (سرانه ۰/۰۵ مترمربع) بر ماست که بعنوان یکی از عوامل جلوگیری کننده از مشکلات ناشی از شهرنشینی، به مسئله فضای سبز و مجموعه های فرهنگی، تفریحی و ورزشی در دل این فضاها، در این شهرستان اهمیت خاص قائل شویم.

### فرهنگ و عوامل وابسته:

تأثیر فرهنگ بر روابط انسانی:

برای رسیدن به یک مفهوم روشن و صریح از این ترکیب "روابط انسانی" ناچار باید بطور اختصار به تعریفی دقیق تر از مفهوم روابط و مفهوم انسان بپردازیم.

انسان موجودی است که در طبیعت از نظر زیست شناسی در تطابق با محیط ضعیف می باشد. یعنی بیشتر به کمک آموزش و تربیت آن هم در مدت زمان طولانی باید به قدرت لازم برای شناخت محیط و هماهنگی با آن و استفاده از آن برسد و توانائی دفاع از خود را در برابر عارضه های طبیعی به دست آورد. از این جهت انسان کمتر از سایر موجودات می تواند به کمک غرایز در مدت کوتاهی به شناسایی محیط و قدرت دفاع از خود برسد و بیشتر از سایر موجودات، به وسیله آموزش و پرورش توانائی رشد و توسعه قوای عقلانی را داراست. همین ویژگی زیست شناسی انسان، یعنی ضعفی که در رشد غرایز و قوای جسمانی او وجود دارد و قدرتی که در اثر آموزش و تربیت بدست می آورد اولین سنگ بنای "رابطه انسان با هم نوع" خود می باشد.

انسان دوران کودکی و نوجوانی یعنی دوران ایجاد تکوین شخصیت و پرورش جسمی خود را در مدتی طولانی و به کندی می گذراند و در مقابل این ضعف طبیعی دارای قدرت عاقله ایست که نه تنها به او نیروی هماهنگی و تطابق با طبیعت را می بخشد بلکه قدرت غلبه بر طبیعت و مهار کردن آنرا نیز دارا می باشد.

انسان برخلاف سایر موجودات و جانوران بخاطر خصلت خاص خود یعنی غلبه بر طبیعت و مهار نیروهای آن در حیات و زندگی خویش دارای هدف است. انسان موجودی آفریننده و خلاق است، از این رو، گذشته از حوائج ضروری برای ادامه حیات و زندگی و غرایز حیوانی وارضای آن از طریق تغذیه،

زاد و ولد و پوشاک و... که از طریق کار جسمی به دست می آید، دست به کار خلق و ایجاد آثار گوناگون برای رسیدن به هدف نهائی می زند.

انسان با فکر و اندیشه و تحلیل مسائل، در حال تکامل شرایط اقتصادی و اجتماعی است یعنی در حال تکوین و آفرینش زندگی بهتر است. تفاوت بین انسان و سایر مخلوقات این کره خاکی همین قدرت تفکر، تعقل و اندیشه می باشد.

وقتی ریکارت فیلسوف فرانسوی در قرن هجدهم میلادی می گوید: *من می اندیشم پس هستم*. قصد او از اندیشه و هستی، اندیشه و هستی غریزی و حیوانی نیست، بلکه مفهوم اندیشه و هستی در فلسفه دکارتی اندیشه و هستی قطعی است. بین اندیشه و هستی رابطه متقابل و همه جانبه ای وجود دارد. یعنی کیفیت و کمیت بدون تردید در منطق دکارتی رابطه نزدیکی با کیفیت و کمیت اندیشه انسان دارد. وقتی اندیشه و فکر بقاء ذات هستی انسان را تشکیل می دهد تکامل و رشد کیفی و کمی هستی و زندگی انسان به چگونگی اندیشه و فکر و ارزشهای تربیتی و اجتماعی آن بستگی پیدا می کند.

بنابراین باید مفهوم روشنی از اندیشه و هستی بدست آوریم که رسالت اندیشه و عقل در حیات انسانی تکامل هستی انسان است و هستی در اینجا به معنی مجموع شخصیت فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و عاطفی است. اگر از انسان قدرت اندیشه و تفکر را بازگیرند، انسان طبعا از موضع وضعیت آفرینندگی و خلاقیت خویش خارج می شود و به این جهت وقتی به روابط انسانی توجه می کنیم باید عامل خلاقیت انسان را در نظر داشته باشیم.

انسان خلاق، خالق ارزشهای انسانی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، هنری و اقتصادی خویش است یعنی با نیروی اندیشه و فکر و عقل قادر است بهترین وسایل و شرایط را برای ایجاد بهترین شرایط زندگی خویش بوجود آورد. حرف از روابط انسانی در حقیقت مسئله اندیشه و تفکر و ایمان و اعتقاد و میزان رشد و نمو آن در افراد جامعه است چراکه درک انسان از روابط انسانی بسته به کیفیت آموزشی است که فکر و اندیشه او از فرهنگ و رسوم و اعتقادات زندگی فردی و اجتماعی بدست می آورد.

با توجه به مطالب فوق در بررسی روابط انسانی بصورت اساسی و اصولی به این نتیجه می رسیم که همه رسوم، اعتقادات، آئین ها، قوانین و نظامات اجتماعی، اخلاقی، علمی و تاریخی در اصل طبیعت بشری، وسیله ای برای ساختن رشد فکری و فطری و انسانیت انسان بیشتر نیست.

رابطه فرهنگ و آموزش:

آموزش را باید در مفهوم فرهنگ به معنای وسیع آن مورد توجه قرار داد، زیرا آموزش جزئی از فرهنگ است، فرهنگ گذشته با همه خصوصیات القائی و انتقالی خود از آموزش شروع می شود. و آموزش وسیله انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. بنابراین آموزش به تعبیری وسیله است و فرهنگ هدف آن و یا به تعبیر دیگر آموزش ظرف است و قالب، و فرهنگ مفهوم است و محتوی.

آموزش و فرهنگ به اعتبار اینکه هر دو جزئی از زیربنای مناسبات اجتماعی و اقتصادی انسانها هستند ، عوامل ثابت و بدون تغییری نیستند و حرکت و تکامل جزء ذات آنهاست ، و به اعتبار اینکه آموزش و فرهنگ وسیله تکامل و ارتقای شخصیت اخلاقی و اجتماعی و سیاسی انسانهاست و همچنین وسیله کشف منابع ، نیروهای طبیعی ، تکامل ابزار و وسایل زندگی و بهتر کردن شرایط آن است که طبعا و ذاتا دینامیک و تغییر پذیرند.

فرهنگ و آموزش در ایجاد رابطه و شخصیت اخلاقی ، اعتقادی ، اجتماعی و سیاسی انسانهاست و اگر فرهنگ و آموزش از دو منبع انسان و طبیعت و روابط آنها تغذیه نکنند قادر به تأثیر متقابل در روابط انسان و منابع طبیعت و کشف روابط نامکشوف و مجهول انسانها در روابط آنها با منابع طبیعت و نیروهای آنها نخواهد شد.

آموزش و فرهنگ در مجموع ، حاصل مجموع دانائی های ذهنی ، فکری ، اندیشمندی موجود و بالفعل انسان نیستند بلکه حاصل مجموع دانائی های ذهنی ، فکری و بالقوه و ناموجود انسانها می باشند .

با توجه به مسائل فوق بهترین فرهنگها ، فرهنگی است که حاصل تمامی دانائی های فکری و ذهنی بالفعل و بالقوه (موجود و قابل کشف) تمدن انسانی در جهان و تاریخ یک جامعه باشد. و بهترین آموزشها ، آموزشی است که نوع سیستم آن ، نه تنها روشها و وسایل را برای انتقال دانائی های فکری و ذهنی موجود به انسانها عموما و نسل جوان خصوصا دارا باشد ، بلکه دارای بهترین روشها و وسایل برای کشف و بدست آوردن دانائی های فکری و ذهنی مجهول و نامکشوف نیز باشد .

براین اساس می توانیم معیارها و ضابطه های یک فرهنگ آموزش صحیح را بدست آوریم . فرهنگ یعنی مجموعه دانائی های فکری و ذهنی انسان ، و آموزش یعنی روابط و وسایلی که تنظیم کننده و شکل دهنده این دانائی ها و انتقال دهنده آنها به نسلهای دیگر می باشند .

فرهنگ بوسیله آموزش ، نه تنها دانائی های فکری و ذهنی انسان را تنظیم می کند و انتقال می دهد ، بلکه قدرت و توانائی های فکری و ذهنی تازه می آفریند . با این تعریف ، بهتر می توان وضع و موقعیت فرهنگ و آموزش را در یک جامعه مورد بررسی و مطالعه قرار داد و از مشکلات اجتماعی ، اقتصادی ، اخلاقی ، علمی و فنی یک جامعه برای شناخت ارزشهای موجود فرهنگی و آموزشی آن کمک بگیریم ، زیرا رابطه فرهنگ و آموزش با جامعه و مجموع روابط و بنیادهای اجتماعی آن یک رابطه متقابل است . در اینجا است که رابطه بین آموزش و فرهنگ با مجموع سیستم سیاسی و اداری ، اجتماعی و اقتصادی جامعه آشکار می شود . هدف اصلی فرهنگ و آموزش ، استخراج و شکفته کردن و شناختن استعداد های انسانها و تربیت آنهاست . نظام اجتماعی ، سیاسی و اداری جامعه نه تنها باید این استعدادها را پس از آموزش به کار گمارد و آنها را در خدمت کمال رشد و توسعه جامعه قرار دهد ، بلکه باید قبل از آن وسایل و زمینه های لازم را برای اینکه نظام آموزشی و فرهنگی جامعه قادر به شکوفا کردن استعدادها و تربیت